



رابطه عقل و وحی در تشخیص ارزشهای اخلاقی چگونه است

در سیره معصومان(ع) عقل و وحی مکمل یکدیگرند و انسان برای شناخت خوب از بد به عقل و وحی هر دو نیاز دارد.

سیری در مکاتب اخلاقی غرب/

رابطه عقل و وحی در تشخیص ارزشهای اخلاقی چگونه است

خبرگزاری مهر- در سیره معصومان(ع) عقل و وحی مکمل یکدیگرند و انسان برای شناخت خوب از بد به عقل و وحی هر دو نیاز دارد. در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) عمل اخلاقی در صورتی ارزشمند است که خود عمل صالح باشد و با انگیزه صالح انجام شده باشد.

این سؤال مطرح می شود که آیا بر اساس سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) خود انسان با اتکا به عقل خود می تواند رفتار اخلاقی شایسته را از ناشایسته تمیز دهد؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت عقل انسان می تواند بسیاری از ارزشهای کلی اخلاقی مانند خوب بودن عدالت، احساس و غیره را درک کند.

همچنین می تواند برخی مصداقهای روشن ارزشهای کلی را درک کند. ولی تشخیص همه مصادیق ارزشها و ضد ارزشهای اخلاقی در اوضاع و احوال مختلف از عهده عقل انسان بر نمی آید و در این موارد چاره‌ای جز مراجعه به شرع ندارد. زیرا تعیین و محاسبه تأثیرات یک عمل بر کمال حقیقی انسان از عهده انسان بیرون است.

در روایات متعددی بر این مطلب تصریح شده که خداوند برای هدایت انسان دو حجت قرار داده است: عقل و شرع. امام صادق(ع) خطاب به هشام می فرماید: ای هشام، خداوند بر مردم دو حجت قرار داده است: حجت ظاهری و حجت باطن. حجت ظاهر، رسولان، پیامبران و امامان(ع) هستند و حجت باطن عقلهای مردم است.

با توجه به عام بودن روایت، می توان اظهار داشت بر اساس این روایت، خداوند برای تشخیص ارزشهای اخلاقی دو ابزار در اختیار انسان قرار داده است: یکی عقل و دیگری رسولان و پیامبران و امامان(ع).

بنابراین، در سیره معصومان(ع) عقل انسان و وحی هر دو تشخیص ارزشهای اخلاقی و رفتار شایسته و ناشایسته نقش دارند.

حال این پرسش مطرح است که رابطه عقل و وحی در تشخیص ارزشهای اخلاقی با یکدیگر چگونه است؟ آیا هر یک از این دو، به صورت مستقل انسان را به مسیر صحیح هدایت می کنند؟

در روایتی از امام صادق(ع) این رابطه تبیین شده است: اول و اصل و مایه تقویت و آبادانی هر چیز که انسان بی آن از هیچ چیز سود نمی برد، عقل است که خداوند آن را زینت آفریدگان خود و نور آنان قرار داده است.

با عقل است که خالق خود را خدا درک می کنند و اینکه خودشان آفریده شدند و اینکه خداوند مدبر آنان است و آنان تحت تدبیر خدا هستند و اینکه خداوند باقی و آنان فانی اند... و به وسیله عقل نیکو را از زشت باز می شناسند و در می یابند که تاریکی ریشه در جهل و روشنائی ریشه در علم دارد. این چیزی است که عقل آنها را به آن راهنمایی کرده است.

به امام گفته شد: آیا بندگان خداوند می توانند به عقل بسنده کنند؟ امام فرمود: عاقل با راهنمایی عقل که خداوند آن را مایه قوام و زینت و هدایت او قرار داده، در می یابد که خداوند حق است و تنها او پروردگار اوست و در می یابد که آفریننده او محبت و کراهتی و طاعت و معصیتی دارد.

پس عقلش او را به این راهنمایی می کند و می داند که جز با علم و جستجو به آنها پی نمی برد و می داند که اگر با علم به اراده و کراهت و طاعت و معصیت خداوند پی نبرد، از عقلش نیز سودی نمی برد. از اینرو، جستجوی علم و ادب که جز به آنها بر پا نیست، بر عاقل لازم است.

مطابق این روایت، انسان با کمک عقل خدا را می شناسد؛ چنان که به وسیله عقل خوب را از بد و زشت را از زیبا تشخیص می دهد؛ با

وجود این، از راهنمایی های الهی بی نیاز نیست و به همین سبب، انسان به یاری عقل در می یابد خداوند طاعت و معصیت و امر و نهی هایی دارد و برای دست یافتن به دستورهای خداوند باید به وحی روی آورد و در مکتب پیامبران زانوی شاگردی بزند.

باید توجه داشت که عقل و وحی هر دو تشخیص ارزشهای اخلاقی و رفتار شایسته و ناشایست نقش دارند. هر چند عقل توانایی درک برخی قواعد کلی اخلاقی و برخی مصداقهای آنها را دارد، در تشخیص دیگر مصادیق قواعد کلی و تطبیق آنها بر موارد و اوضاع و احوال خاص و نیز در تشخیص قواعد جزئی تر اخلاقی نیازمند وحی است. بدین ترتیب، در سیره معصومان(ع) عقل و وحی مکمل یکدیگرند و انسان برای شناخت خوب از بد به عقل و وحی هر دو نیاز دارد.